



وقتی پول مناسبات موسیقی را دگرگون می کند

صرافی موسیقی جوان

سید مهدی موسوی تبار
روزنامه‌نگار

زمانی بود که زمزمه‌های آدم‌ها، فارغ از جنسیت‌شان و اینکه عاشق شده بودند یا نه، ترانه‌ها و آوازهایی بود که شعرهایش را یا شاعران نامی گفته بودند یا اگر اصطلاحاً کوچک‌بازاری هم بود مضمون سخنی نداشت یا کم داشت. هیچ پدری به خاطر شنیدن ترانه‌های پسرش تعجب نمی کرد و ناراحت نمی شد. خانواده‌ها هم به‌راحتی و با خیال راحت موسیقی گوش می کردند. اگر در روزگاری «یک شب آتش در نیستان...» و «اندک اندک جمع مستان...» و «یاد ایام» ورد زبان بود و بعد «ای کاروان ای کاروان من دزد شربو نیستم» و «نمی‌خواستم خوشبیدو زت بگیرم» به آنها اضافه شد حالا اما زمان مانور «هربرار این درو محکم نبند درو»، «آقامون جتلمنه» و «با انگشت همه نشون میدن منو» رسیده است. شاید اولین پاسخ به این جابه‌جایی، تفاوت نسل‌ها باشد؛ نسل جدیدی که انگار دنیایش با بقیه فرق دارد. اما همه این تغییرات گردن نسل جدید نیست. در این میان افراد، سایت‌ها و سازمان‌ها و گروه‌هایی بودند که در تغییر ذائقه مردم موثر بودند. سایت‌های موسیقی، سازمان صداوسیما و فضای مجازی از عوامل اصلی بودند و همچنان هستند.

سایت‌های موسیقی

مهم نیست صدایت چه کیفیتی دارد، مهم این است که چقدر پول داری؟ این فرمول بسیاری از سایت‌های تخصصی موسیقی است. هرقدر پول بیشتری بدهی آهنگ یا آلبومت بیشتر دیده می شود. ممکن است آهنگ یا آلبوم برتر هم بشوی اگر هزینه خوبی کرده باشی.

یکی از سایت‌هایی که در سال‌های قبل حاشیه‌های زیادی به وجود آورد سایت رادیوجوان بود. یک سایت تخصصی موسیقی که گردانندگانش در آمریکا و کانادا بودند و تعرفه‌های پخش آهنگ‌ها را هم علنی روی سایتش گذاشته بود. این سایت واسطه‌هایی در ایران داشت و دارد و خوانندگان زیادی هم به آنها اعتراض داشتند. آنهایی که مشهور بودند به بی‌نصیب ماندن‌شان از سود مالی هنرگفت این سایت معترض شدند و گمنام‌ها ذوق داشتند که قطعه‌شان در این سایت پخش و تولید می‌شود. قطعاتی که می‌شود بابت پخش هرکدام‌شان بین سه تا پنج میلیون تومان هزینه دریافت می‌شود خودشان حساب کنید که اگر روزی مثلا ۳۰ قطعه از این سایت پخش شود در ماه چه مبلغی به جیب‌شان می‌رود. فعلا کاری به بحث مالی این سایت نداریم. نکته مهم اما تبدیل این سایت به یک مرجع موسیقی برای نسل‌های جوان است. در غیاب نظارت بزرگان و کارشناسان و کم‌کاری مدیران فرهنگی، رادیوجوان حوزه کاری‌اش را گسترش داد و شبکه‌تلویزیونی هم راه‌اندازی کرد. این سایت در سال‌های اخیر توانست نقش پررنگی در تغییر و حتی افت سلیقه مخاطبان موسیقی بازی کند. هیت‌کردن آهنگ‌های خاص و قراردادن برخی آهنگ‌های ضعیف باعث دیده شدن آنها شد اما ندیده گرفتن آهنگ‌های قوی و پرمغز نتیجه اصلی‌اش بود.

اینستاگرام: قاتل یا منجی موسیقی

قبلا اگر فقط خواننده‌ها یک دقیقه وقت برای تبلیغ آثارشان در اینستاگرام داشتند اما به مدد پیشرفت تکنولوژی این زمان بیشتر شده است و با تکیه بر فالوورهایشان می‌توانند بلافاصله بعد از ضبط یک قطعه، آن را منتشر کنند. سلب‌ریتی‌ها هم وسط این کارزار آمدند و دمیدند به آتش مطرح شدن سریع و بدون پشتوانه. اگر در زمان‌های دور، خواننده باید امتحانات فراوانی می‌داد تا توسط اساتید مسلم موسیقی تایید می‌شد اما دیگر نیازی به استاد و آموختن نیست. همین که از اقوام پدری یا مادری کسی تاییدت کند و آهنگت را دست‌کم ۵۰۰ یا ۶۰۰ نفر لایک کنند ظاهراً برای شهرت کفایت می‌کند. خوانندگان بسیاری بودند که در عروسم‌ها یا مراسم عزاداری می‌خواندند و به کمک اینستاگرام مشهور شدند. این سرعت در انتشار و دیده شدن، سهم کیفیت را به‌شدت پایین آورد و بازار کلمات و اصطلاحات کوچک‌بازاری گرم شد و حتی پای فحش‌های رکیک هم وسط کشیده شد. تاژگی فیلمی کوتاه در اینستاگرام از سارا و نیکا، بازیگران سریال پایتخت، منتشر شد که در آن یکی از قطعات یک خواننده را تبلیغ می‌کردند. شاید همین خبر برای مشخص شدن نقش اینستاگرام در تنزل بخشی‌دهنده به سلیقه مخاطبان کفایت کند.

چارسو

کلابه‌های جلیل سامان از ممیزی‌های زیرخاکی.

جلیل سامان، کارگردان سریال «زیرخاکی» درمورد ممیزی‌های فیلمنامه اولیه این سریال گفت: «فصل اول سریال دچار ممیزی‌های زیادی شد و حتی فیلمنامه آن کامل رد شد. در تلویزیون ساختاری وجود دارد که مدیران گروه یا شبکیه‌ها تصمیم نهایی را می‌گیرند. اما مساله از آنجایی پیدا می‌شود که بخش دیگری در سازمان می‌خواهد نظارتی جدی‌تر روی همان طرح تصویب شده داشته باشد. وقتی این شورای عالی، فیلمنامه سریال زیرخاکی را خواند، آن را بی‌روبرگرد رد کرد. حدوداً ۱۷ صفحه ایراد از فیلمنامه گرفتند. به‌نظرم مشکل‌شان این بود که فیلمنامه را با کت‌وشلووار خوانده بودند، درحالی‌که به‌نظرم من زیرخاکی، فیلمنامه‌ای است که باید کت‌وشلووارتان را دربیابا و بعد بخوانید. وقتی با نگاه رسمی آن را می‌خوانید، دائم در پی تعبیر دیالوگ‌ها و مضامین به چیزهایی دیگر هستید! اعضای شورا هم دائم دنبال کلمات و موقعیت‌ها بودند تا ببینند منظور سازنده از بیان آنها چیست؟ همین نگاه که همه چیزها را می‌خواهند سیاسی ببینند، در اینجا هم مصداق پیدا کرد. این نگاه دست از سر سازندگان برمی‌دارد. مثلاً در یکی از قسمت‌ها مستشار از فریبرز



می‌پرسد چرا شهر شلوغ است؟ او اظهار بی‌اطلاعی می‌کند و می‌گوید شاید مردم درحال خرید هستند. اما ممیزی‌های تلویزیون همین موضوع را به‌ماجرای اتفاقات و شلوغی‌های سال قبل ربط می‌دادند و سریالی را که مربوط به زمان قبل از انقلاب است با این ممیزی‌های عجیب‌وغریب بررسی می‌کردند. این سکانس را حتی در زمان پخش هم می‌خواستند تعدیل و ممیزی کنند!

تأثیر اینترنت در اوضاع موسیقی

سعید یعقوبیان درباره تأثیر فضای مجازی بر موسیقی می‌گوید: «درحالی‌که در گذشته‌ای نه‌چندان دور هنرمندان حوزه موسیقی متکی به اشخاص برجسته و سرشناس و «شرکت‌های فروش موسیقی» جهت گوش دادن به «سخن‌های اولیه» موسیقی خود و سپس تاییدشان بودند، در عصر کنونی راه‌اندازی کسب‌وکار مستقل در مقایسه با گذشته برای این هنرمندان بسیار ساده‌تر و مقرون‌به‌صرفه‌تر شده است. هنرمند می‌تواند کار خود را در خانه ضبط کند یا یک استودیوی ضبط را برای چند ساعت اجاره کند، موسیقی‌اش را بسازد و به محض اینکه اقدام به «آلود» «ترک» ساخته خود در اینترنت می‌کند، مردم سراسر دنیا نیز می‌توانند به آن دسترسی داشته باشند. به این وسیله او قادر خواهد بود محصول خود را معرفی کند، جایگاه آن را ارتقا بخشد و حتی آن را به مخاطبان خود بفروشد، بدون اینکه برای این کار نیازی به شرکت‌های فروش و پخش موسیقی یا رادیو داشته باشد. شاید در این حالت،

دو کره تا باز شدن بندهای موسیقی

کیانی، چهره ماندگار موسیقی، عوامل بسیاری را به‌عنوان تأثیرگذار بر وضعیت کنونی موسیقی برشمرد که اصلی‌ترین مؤلفه‌ها به شرح ذیل است:

غرب و آموزش نوین: روند تغییرات ذائقه موسیقایی در ایران از چه‌زمانی آغاز شده است؟ به‌نظر می‌رسد که تغییرات یک‌دفعه و ناگهانی به‌وجود نمی‌آید. از حدود ۱۵۰ سال قبل با تأسیس مدرسه دارالفنون و آشنایی با فرهنگ غرب، ما تحت‌تأثیر موسیقی غرب قرار گرفتیم. به‌عنوان مثال استاد علینقی وزیری با تلفیقی از موسیقی کلاسیک غرب و موسیقی ایرانی، یک مکتب جدید موسیقی ملی ایرانی را به وجود آورد. این نقطه آغازی است که ذائقه موسیقایی مردم از موسیقی سنتی به‌سوی موسیقی جدید میل کند. علم یا تئوری موسیقی خیلی مهم است، درواقع مانند دستور زبان است. اما شوربخانه در این فرهنگ موسیقی، از تئوری موسیقی ایرانی استفاده نشده است، بلکه تئوری موسیقی کلاسیک غرب به کار رفته ولی آهنگ‌ها در چارچوب موسیقی دستگاهی است. به این موسیقی، علمی و ملی می‌گویند.

موسیقی تلفیقی ما، ترکیبی از موسیقی کلاسیک غربی و موسیقی ایرانی است. درواقع اساتید سنتی ما، از تئوری علم موسیقی قدیمی و ایرانی صحبت نمی‌کنند و تئوری موسیقی کلاسیک اروپایی را تدریس می‌کنند. در آموزشگاه‌های موسیقی -که تمامی آنها از وزارت ارشاد مجوز می‌گیرند- با روش استاد وزیری، تدریس می‌شود. یعنی با ثت و تئوری موسیقی غربی؛ که در جایگاه موسیقی مکتب وزیری بسیار خوب است. ولی از آنجا که اینها براساس تفکر و تئوری موسیقی ایرانی نیستند، تأثیر منفی بر موسیقی اصیل ایرانی گذارد و چنانکه آگاه‌ناشیم به‌موسیقی اصیل ایرانی آسیب می‌رساند.

ارکستر ملی بنا به یک ضرورت تاریخی به‌وجود آمد که مصادیقی از نوآوری و تحول در آثار استاد وزیری و مرحوم خالقی بود. این مهم در تغییر ذائقه مؤثر بوده است. اینکه بعضی از مخاطبان دیگر نمی‌توانند موسیقی مذهبی بشنوند و یا اینکه به‌موسیقی دستگاهی گوش کنند، دال بر شدت تغییرات است. برای آنها، شنیدن این نمونه‌ها نوعی عقب‌ماندگی محسوب می‌شود. می‌خواهند موسیقی کلاسیک و ملی را به‌عنوان یک تجدیدخواه بشنوند. با توجه به این امیال،

گسترده‌گی مخاطبان، در مقایسه با تجاری‌سازی محصول توسط شرکت‌های بزرگ یا رادیو کمتر باشد اما هنرمند نیز در این حالت سود کسب‌شده را با کسی تقسیم نمی‌کند و به این ترتیب می‌تواند درآمد مستقلی داشته باشد. همچنین هنرمند می‌تواند با ایجاد وبلاگ یا وب‌سایت شخصی، آثارش را معرفی و درمورد فعالیت‌هایش اطلاع‌رسانی کند و با مخاطبان خویش در ارتباط باشد. بدین وسیله فاصله میان هنرمند و مخاطبان کم شده و نقدها و نظرها می‌تواند به‌طور مستقیم به هنرمند منتقل شود.

از سوی دیگر شبکه جهانی اینترنت تأثیرات منفی نیز بر حوزه کسب‌وکار موسیقی داشته است. بیشتر افرادی که در ساخت یک اثر موسیقی شرکت دارند، مبالغ هنگفتی بابت خدماتی که ارائه می‌دهند دریافت می‌کنند، چنانچه اثر تولیدشده بدون پرداخت پول و مجانی دست به دست شود (دزدی موسیقی)، این هزینه‌ها قابل‌پرداخت نخواهد بود. دزدی موسیقی به‌روش‌های مختلف انجام می‌شود. گاه کاربر اینترنت

موسیقی را به‌صورت آنلاین آپلود می‌کند. همچنین این کار از طریق شرکت‌های آنلاینی که کسب‌وکار خود را براساس دزدی موسیقی راه‌اندازی کرده‌اند و مصرف‌کنندگان را به قانون‌شکنی تشویق می‌کنند، انجام می‌شود. افرادی که اقدام به تکثیر بی‌شمار CD و فروش آنها در کنار خیابان و خرده‌فروشی‌ها می‌کنند نیز بخشی از دامنه دزدی موسیقی را تشکیل می‌دهند. درحقیقت، اینترنت با ساده‌تر کردن دزدی موسیقی از طریق دانلود و آپلود غیرقانونی، به میزان چشمگیری به این مشکل قدیمی در صنعت موسیقی دامن زده است. امروزه درصد زیادی از مردم در سراسر دنیا موسیقی را از راه غیرقانونی دانلود می‌کنند و این دزدی به جامعه موسیقی صدمات فراوانی وارد کرده است.

در سال‌های اخیر تلاش‌های زیادی برای حل بحران دزدی موسیقی صورت گرفته است. فراهم آوردن امکان دانلود آسان و ارزان ترک‌های موسیقی از طریق بازارهای فروش اینترنتی مانند iTunes و Amazon یکی از این راهکارها بوده است.

جامعه ما تحت‌تأثیر قرار گرفت. در گذشته همیشه در کنار موسیقی متعالی، نوعی از موسیقی تفریحی نیز میان مردم رونق داشت. بیشتر جشن‌ها اگرچه رویکرد تفریحی داشتند، اما در آن، جنبه‌های آیینی نیز بارز بود. اما به‌تدریج این آیین‌ها نادیده گرفته شدند و یک نوع موسیقی جدید پدید آمد. در کنار مکتب استاد وزیری که یک مکتب علمی و جدی است، موسیقی‌های مردم‌پسند نیز همچنان وجود دارند.

صداوسیما دومین عامل مؤثر در وضعیت فعلی موسیقی است. با تأسیس رادیو، هنرمندان جذب این سازمان شدند. هر رسانه‌ای می‌خواهد تولیداتی داشته باشد که مردم آن را بپسندند و چنانچه رسانه‌ای مردم‌پسند نباشد، عملاً کاربردی نخواهد داشت. درنتیجه موسیقی و ترانه‌هایی که به‌وجود آمد درواقع ذائقه مردم را نه به‌طرف متعالی شدن، بلکه به‌طرف سطحی‌نگری سوق داد. این تغییر ذائقه بعد از انقلاب نیز به‌خصوص در دهه‌های اخیر با شدت بیشتری ادامه داشته است. هر آن چیزی که از رسانه‌ها شنیده می‌شود، فقط پاپ است. حدود ۵۰ سال پیش از شبکه‌های مختلف رادیو، آثار مختلف اساتیدی مانند استاد بنان، فاخته‌ای، جلیل شهناز و یا کسانی شنیده می‌شد. اما امروزه با وجود تعدد شبکه‌های رادیویی از آثار این اساتید بزرگ کمتر می‌شنویم و اگر هم پخش شود، کاملاً اتفاقی است. این جریان نقش مهمی در تغییر ذائقه موسیقایی دارد. موسیقی دستگاهی در رسانه‌ها، متأسفانه به‌صورت مردم‌پسند اجرا می‌شود. یعنی ساز سه‌تار در دستگاه شور طوری نواخته می‌شود که مردم بپسندند. البته رادیو از ابتدای تأسیس نیز طوری موسیقی را ارائه کرد که مورد پسند مردم باشد.

«به‌عقیده من مهم نیست که فقط آثار هنری گسترش داشته باشد. چراکه هنر اصیل واقعی نمی‌تواند فراگیر باشد، مگر اینکه آن جامعه بتواند برای مردمش شناخت ایجاد کند. رسانه این قابلیت را دارد که بتواند رسالت شناخت مخاطبان از موسیقی متعالی را برعهده داشته باشد. می‌توانیم با حضور در تلویزیون درمورد موسیقی صحبت کنیم و نمونه‌های خوب پخش شود و خواهیم دید که ذائقه موسیقایی مردم تغییر پیدا خواهد کرد.»

همچنین مصرف‌کنندگان به این وسیله می‌توانند به‌جای کل آلبوم، فقط آهنگ خاص و مدنظر خود را خریداری و دانلود کنند. راهکار جدیدتر «سرویس‌های جریانی» و رادیوهای اینترنتی مانند Pandora و Spotify هستند که امکان استفاده از مخازن موسیقی آنها، با پرداخت حق عضویت یا پرداخت به ازای استفاده از هر فایل صوتی یا تصویری وجود دارد. با وجود همه این تلاش‌ها، ریشه‌کن کردن معضل دانلود غیرقانونی موسیقی به‌دلیل اینکه درحال حاضر هیچ روشی جهت نظارت و کنترل بر آن وجود ندارد، بعید به نظر می‌رسد. درنتیجه اینترنت از برخی جهات کسب درآمد حاصل از فروش موسیقی را برای هنرمندان و شرکت‌های موسیقی سخت‌تر از قبل کرده است. بسیاری از هنرمندان دوباره به اجرای زنده و فروش بلیت کنسرت‌های خود با قیمت بالاتر جهت جبران کاهش درآمدشان روی آورده‌اند.

نقش فناوری‌های سایبری بر سهولت و نحوه شنیده شدن موسیقی

در گذشته مصرف‌کنندگان آثار موسیقایی برای شنیدن موسیقی متکی به کاست‌ها، لوح‌های فشرده، رادیو و ابزارهای مشابه بودند. معرفی فناوری MP۳ باعث‌شد کمی کردن‌های دشوار برای گوش دادن به موسیقی دیگر ضروری نباشند. شنوندگان که قادر به تهیه لوح فشرده موسیقی از شخص دیگری بودند، می‌توانستند موسیقی را روی کامپیوتر خود کپی کرده و یک کپی الکترونیک از آن را داشته‌باشند. با فراگیر شدن اینترنت تغییرات بیشتری نیز ایجاد شد چراکه سرعت ارتباطات افزایش یافت و اشتراک‌گذاری موسیقی متداول‌تر شد. در این میان، ایجاد وب‌سایت‌های جامع مانند YouTube نیز به‌معنای آن بود که مصرف‌کنندگان برای تماشای یک موزیک‌ویدئو دیگر نیازی به کانال‌های تلویزیونی مانند MTV یا خریدن DVD آن موزیک‌ویدئو نخواهند داشت. همچنین سرویس‌های streaming مانند spotify Pandora برای شنوندگان در هر جای دنیا این امکان را فراهم می‌کند که از طریق ارتباط اینترنتی، قابلیت دسترسی به هرگونه موسیقی را داشته‌باشند. با فراهم آمدن امکان فروش اینترنتی، خریدوفروش بلیت اجراهای زنده در قالب کنسرت‌ها به‌صورت آنلاین نیز میسر شده است و متعاقباً نیازی به چاپ بلیت کاغذی و رجوع به مکانی مشخص جهت خرید آن نیست. همچنین مخاطب قادر به انتخاب صدای خویش است. از دیگر تأثیرات فضای سایبر بر مخاطبان آثار موسیقی می‌توان به تأثیر و تأثر سلیقه‌های موسیقایی در قالب اظهارنظر کاربران در «فضاهای گفت‌وگوهایی گروهی اینترنتی» درمورد یک موضوع موسیقایی، اشاره کرد.

احتمال اجرای «سینماماشین» در پسا کرونا

بخش‌کننده فیلم «خروج» از احتمال اکران خروج، در شهرهای دیگر با طرح «سینماماشین» خبر داد و گفت: «این نوع اکران می‌تواند پس از بازگشایی سینماها نیز به‌عنوان یک ظرفیت مورد استفاده قرار گیرد.» علی سرتیپی در گفت‌وگویی با ایسنا درباره اکران خروج در یک محوطه باز بیان کرد: «با توجه به استقبال مخاطبان در سانس‌های اولیه، به‌نظرم اکران خوبی بود و می‌تواند در شهرستان‌ها گسترش پیدا کند به‌ویژه اینکه الان مشهد هم برای اکران خروج به‌صورت «سینماماشین» درخواست داده است.» او تأکید کرد: «به‌نظرم نباید این نوع اکران محدود به‌موقعیت فعلی سینماها که به‌خاطر شیوع کرونا تعطیل شده‌اند، محدود شود و سینما درایواین یا سینماماشین می‌تواند کنار اکران فیلم‌ها در سالن سینمایی هم برقرار باشد. چنین اکرانی شاید الان خیلی اقتصادی به‌نظر نیاید ولی کاملاً می‌تواند به‌صرفه باشد و ظرفیتی است که باید در تهران و شهرستان‌ها از آن استفاده کرد.» سرتیپی با اشاره به‌خوب بودن اکران خروج در سینماماشین و ادامه اکران در شب‌های آینده، درباره احتمال اکران فیلم‌های دیگر از این طریق گفت: «ما



باید امکاناتی برای این نوع اکران تهیه کنیم و چنین روشی را با هماهنگی وزارت ارشاد گسترش دهیم. البته برای فیلم خروج، سازمان اوج پیش قدم شد، اما همه منتظرند ببینند آورده آن چه می‌شود تا شاید بقیه هم جلو بیایند. با این حال ما در وهله اول به این اکران اقتصادی نگاه نکردیم، اما با استقبالی که صورت گرفت، به‌نظرم می‌رسد می‌توان این وجه را هم درنظر گرفت.»